

# فرااتهران

گفت و گویا «محمدعلی یزدانی» کارگردان نماهنگ تحسین شده «بیعت آب‌ها»

## یک بازی هنری در زمین شعر

چند روزی به آغاز ماه محرم مانده بود که نماهنگ «بیعت آب‌ها» به انتشار رسید و با استقبال مخاطبان در فضای مجازی مواجه شد. این نماهنگ که تولید حوزه هنری استان فارس با مشارکت سازمان سینمایی سوره است، تاریخ صدر اسلام را از غدیر تا عاشورا روایت می‌کند؛ روایتی با عینک زنانه و از زاویه نگاه نقش زنان در شکل‌گیری آن مقطع تاریخی. این نماهنگ که سبک تولید آن یادآور آثار خاطره‌انگیزی همچون «خانه پدری» و «قبله آخرالزمانی‌ها» است را مصطفی رضوانی تهیه‌کنندگی و محمدعلی یزدانی براساس شعری از سیده اعظم حسینی کارگردانی کرده است. در این گفت‌وگو، یزدانی مسیر تولید «بیعت آب‌ها» را روایت می‌کند.



از سوی برادر و دوست عزیزم زنده‌یاد مرحوم محمد جعفری مطرح شد عمرشان کفاف نداد اما الحمدلله این بذخیر که کاشتند ثمر داد. لذا طبیعی بود که با خانم حسینی ادامه دهیم اما در پاسخ به چرای خانم حسینی باید به چند نکته اشاره کرد.

شعرهای خانم حسینی روایی و قصه‌گوست. کاملاً تصویری است. دنبال حدیث نفس نمی‌رود و من شاعر در آن کمرنگ است. اضافه‌گویی و شاعرانگی پیچیده و پرگویی ندارد. البته به ایشان محدود نشده‌ایم و از همان قول مادرانه مشغول آماده‌سازی زیرساخت‌هایی برای تولید آثاری با شاعران برجسته استان و کشور هستیم که ان‌شاءالله در آینده ارائه خواهند شد اما در حال حاضر توفیق این بود که خدمت خانم دکتر حسینی باشیم.

**عمده کارهای مشابه و دو کار خود شما در حوزه محتوای مذهبی می‌گنجد آیا قرار است این فرصت فقط به کارهای این حوزه گفتمانی اختصاص یابد یا مثلاً آیا نمی‌توان سراغ شعری عاشقانه از آن گونه‌ای که مقام معظم رهبری از آن به عاشقانه عقیف یاد کرده‌اند یا شعر اجتماعی، رفت؟**

گرچه نام من به‌عنوان کارگردان کار ذکر شده اما باورم این است که این اثر تولید مجموعه مه‌افیلیم است و من نیز عضوی کوچک از این خانواده بزرگ هستم. مه‌افیلیم سیاست‌هایی کلی دارد که براساس آن پروژه‌هایی را تعریف می‌کند. این رنگ و بوی هر چیزی می‌تواند باشد اما مهم این است که انتخاب کار پروسه‌ای جمعی است. طبیعی است که خیلی موضوعات که برای بسیاری مهم است در این سیاست‌ها نمی‌گنجد.

باشد. اگر بخواهم این نکته را با ادبیات سینمایی بیان کنم باید بگویم شعر باید به درام نزدیک شود.

**چقدر سعی کردید که کارتان هنری باشد نه روایت صرف تاریخی؟**

در این کار برای ما اهمیت داشت که ملزومات کار را رعایت کنیم. کار تاریخی است. لذا زبان دوربین و حرکت‌هایمان کلاسیک است. برای همین از «ریل شاریو» استفاده کردیم و از دوربین روی دست که شیوه‌ای مدرن‌تر و امروزی است استفاده نکردیم. در موسیقی‌هایی که استفاده کردیم عموماً از سازهای سنتی منطقه حجاز استفاده شده است. از سوی دیگر ما سعی کردیم کار را به گونه‌ای پیش ببریم که مخاطب آن صرفاً مخاطب وطنی نباشد و به مخاطب بین‌المللی نیز فکر کردیم. لذا سراغ سمبل‌ها و نشانه‌ها نرفتیم زیرا خوانش سمبل و نشانه ریشه در بوم دارد.

ما از فرم تصویری رئال کوتاه نیامدیم و این هم تصور نکنید مسأله کمی است تاکنون چندبار واقعه حمله به بیت علوی به تصویر کشیده شده است؟! چند بار غدیر تصویر شده؟! البته ما چالش‌های تولیدی زیادی داشتیم و کار می‌توانست به مراتب قوی‌تر از این هم باشد.

**برای ساخت هر دو نماهنگ سراغ سرکار خانم دکتر حسینی رفتید، علت این امر چه بود؟ ویژگی خاصی در شعر ایشان بود که باعث شد برای کار دوم هم سراغ ایشان بروید؟**

پیشنهاد این کار در زمان تولید قول مادرانه و

در کشور آثاری تولید می‌شود که فلان ترانه یا سرود ساخته شده و برای آن تصویر تولید شده و نماهنگ می‌سازند. این صرفاً تصویرسازی یک سرود است و ما هم از گذشته تا همین اواخر پیشنهادهای زیادی در این سطح داشته‌ایم که نپذیرفته‌ایم و علت آن هم مشخص است.

**علت چیست؟**

علت این است که اگر قرار است اثری هنری خلق شود باید این سه وجه (موسیقی، شعر و تصویر) توأمان خلق شده و پیش بروند. بسیاری از آثار این قاعده را رعایت نمی‌کنند. لذا اثری واحد و یکدست خلق نمی‌شود. ما پس از قول مادرانه چندین و چند پیشنهاد ملی و حتی بین‌المللی داشتیم که فلان شعر آماده شده و موسیقی نیز برای آن تولید شده؛ شما برای آن تصویر بسازید. ما نپذیرفتیم. شاید هم کارهای خوبی ساخته می‌شد اما با این نگرش سمت کار نرفتیم.

**اصلاً شما چگونه شعری را مناسب این قبیل کارها می‌دانید؟**

مسیر شعری که ما می‌خواهیم در آن با شاعر کار کنیم مبتنی بر قواعدی است؛ اول اینکه شعر باید روایی باشد. دوم اینکه شعر تصویری باشد. نمی‌توان به راحتی برای شعری که صرفاً در حوزه انتزاع بگنجد تصویر خلق کرد. ما نمی‌خواهیم سقف شعر را کوتاه کنیم اما به نوعی سعی می‌کنیم فضای آن را به سینما نزدیک کنیم تا این پیوند بهتر اتفاق بیفتد. ملاک سوم این است که شعر باید تا حد امکان از حوزه مدح و ثنا و آرایه‌های پیچیده ادبی دور باشد و تمرکزش بر حوزه روایت

در این اثر سه شاخه هنری یعنی شعر، تصویر و موسیقی کنار هم قرار می‌گیرند و گرچه در ظاهر نماهنگ در حوزه سینما دیده می‌شود اما فرم و ساختار خویش را دارد با ظرفیت‌ها و محدودیت‌های خاص خویش. در تولیدات فعلی یکی از این شاخه‌ها غالب است یا سعی شده آنها باهم جلو بروند که این نیز به پروژه بستگی دارد، چرا که هر کاری اقتضائات خاص خویش را دارد و بر اساس آن باید تصمیم گرفت کدام ظرفیت بیشتر جلوه کند. طبیعت در این دو کاری که ما تولید کرده‌ایم خصوصاً «بیعت آب‌ها» ما در زمین شعر بازی کرده‌ایم که ظرفیت خاص شعر خانم دکتر سیده اعظم حسینی که حقیقتاً طبیعی خالص، روان و منحصر به فرد دارد نیز مؤثر است. ظرفیت شعر آنقدر محکم است که وجوه دیگر کار یعنی تصویر و موسیقی باید در خدمت آن قرار گیرند. در سینما عبارتی هست که فرم کامل فرمی است که هیچ چیز اضافه‌ای از چهارچوب آن بیرون نزنند و هیچ بخشی بر دیگر بخش‌ها غلبه نکند ما در قول مادرانه این مسأله را رعایت کردیم چون کار ایجاب می‌کرد که چنین کنیم اما در بیعت آب‌ها بنای ما از ابتدا بر این بود که شعر باید اولویت داشته باشد. اتفاقاً شنیدیم در بعضی نقدها اشاره شده که تصویر پشت سر شعر حرکت می‌کند باید عرض کنم در این امر تعمد داشته‌ایم. می‌توانستیم متفاوت عمل کنیم اما تصمیم‌مان این بود.

**معمولاً نماهنگ‌ها در کشور ما بر پایه قطعات موسیقایی تولید می‌شوند اما دو اثر اخیر شما نماهنگ بر پایه روایت شعری است آیا این دو گونه در یک دسته و ژانر می‌گنجد؟**

هاشم کرونای  
خبرنگار



**شعر هنری کلامی است که بر پایه واحد تشکیل دهنده واژه شکل می‌گیرد حال آنکه سینما و هنرهای تصویری بر پایه فریم و نما شکل می‌گیرند. نسبت این قالب کلامی به قالب تصویری در نگاه شما چه بوده است؟**

طبیعت هر شاخه‌ای از هنر ظرفیت‌ها و محدودیت‌های فرمی مخصوص به خویش دارد. در شاخه‌های مختلف هنری چه از منظر جهانی و بویژه در زبان فارسی و جهان‌بینی اسلامی و شیعی، مطمئناً رفیع‌ترین و خالص‌ترین جلوه هنرها، شعر است و شعر نسبت مستقیمی با جهان انتزاع و معنا دارد و امکانات شعر از قبیل آرایه‌ها و استعاره‌ها و... می‌تواند جهان خلق شاعر را بی‌نهایت کند. در عین حال هنر سینما سقفی کوتاه‌تر از سایر شاخه‌های هنری دارد که علت آن، عینی بودن و به حداقل رسیدن تصور مخاطب نسبت به سایر هنرها از قبیل شعر، رمان، موسیقی و حتی گرافیک است که برداشت و تصور فردی مخاطب و تصویرسازی به سبب زبان اشارت، استعاره و انتزاع در آنها بالاست.

**معمولاً وقتی ساحتی از هنر وارد ساحتی دیگر می‌شود یکی از این دو به خدمت دیگری درمی‌آید دو اثر اخیر شما حوزه تداخل ساحت ادبیات و ساحت سینماست. در این آثار کدام قالب محور است و کدام یک در خدمت دیگری است؟!**



در این اثر سه شاخه هنری یعنی شعر، تصویر و موسیقی کنار هم قرار می‌گیرند و گرچه در ظاهر نماهنگ در حوزه سینما دیده می‌شود اما فرم و ساختار خویش را دارد با ظرفیت‌ها و محدودیت‌های خاص خویش